

## مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی

دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

## یومیه

## جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

## قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)  
در طهران صد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

شبه ۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۱ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۷ دسامبر ۱۹۰۷ میلادی

## ثروت

اول سر چشمه ثروت که مقام اعتبار و اهمیتش از سایرین زیادتر است زراعت و فلاحت است زمین زراعت شبیه بیک دریای بیپایانی است که هر چه از او بردارند تمام نمیشود و انسان از اول عهد همیشه و زندگانی خود در پناه محصولات زمینی زیست میکرد و امور معاش خود را از این راه مرتب میکرد است و تا امروز هم که هزاران هزار مکر و علم و تدبیر انواع اختراعات و اکتشافات را بفرمه بروز و ظهور آورده و هزارها راه دخل و معاش جدید کشف نموده است باز وقتی که نظر اجمالی بصفحه گذاران و زندگانیش مینگیم باز در سطر او اش زرع و محصولات بیچشم ما میاید حالا کار با هم وحشی و نیم وحشی و نیم متمدن نداریم عطف توجه را بسمت اولین دول متمدن دنیا المکنده با ثروت ترین و غنی ترین ملل را دو طائفه دیده یکی تازونی امریکا و دیگری بریتانیای عظمی تازونی که دولتی است زراعتی و حاصل عمده اش از زراعت است و امروز محصولات تازونی در تمام آن اثر را دارد که کشتیهای جنگی انگلیس در عالم پاتیک دارند یعنی اگر یکسال محصول امریکا بد شود تمام عالم سرایت میکند — اگر بخواهیم تشبیهی بکنیم بخیال ماجز آنکه زراعت امریکارا شبیه بیک انقلابی در جو محیط و ظهور برق در آسمانها بکنیم چیزی دیگر بنظر ما نمیاید وقتی برق در هوا پیدا میشود تمام قطب نماها و بوسلهای متزلزل میشوند و عقربك بطرف زمین و یسار مضطربانه حرکت میکند خط حرکت سفاین

در دریا مجهول میگردد و مسافری را تبحر دست میدهد بهمین شکل اگر زراعت آمریک فاسد گردد تمام کارخانجات نساجی اروپا معطل میگرددند قریب بیچهل میلیون نفوس که در فایر یگها مشغول کسب هستند بیکار شده حیران و سرگردان در کوچه و برزن دور میگرددند و فریاد الجوع بفک میرسانند و از انطرف ملبوسات و منسوجات در همه دنیا خصوص در ممالک مشرق زمین فوق الحد ترقی میکند ، این مطلب شوخی نیست که اگر پنبه دنیا را صد حصه تصور کنیم هفتاد حصه آن از اتنازونی بعمل میاید و مابقی از سایر قاط دنیا در نمره دویم پنبه مصر نیز خیلی مهم است زیرا که در صد قسمت ده الی دوازده قسمت متعلق بمصر است و بقیه که هیجده باشد از تمام دنیا بعمل میایند و آنچه از روی حساب صحیح معلوم شده سالیانه سی و پنج میلیون لیره که سیصد و پنجاه کروور پول تومان باشد در ازاء پنبه وارد مصر میگردد و بر ثروت اهالی میافزاید — بنا بر این میتوانیم مصر را دویم مملکت زراعتی دنیا حساب کنیم — اینکه در باره اول دولت یا ثروت دنیا بود که اتنازونی باشد —

اما انگلیس شاید اغلب مردم از حال آن مسبوق نباشند و گمان کنند که ثروت عمده انگلیس از تجارت و صناعت است لکن اهل خبر و بصیرت میدانند که دو برابر ثروت انگلیس از زراعت است یعنی اگر ثروت انگلیس سه قسم فرض کنیم دو قسمت از زراعت پیدا شده و تنها يك قسمت از تجارت و صناعت هر دو پس از برای ما که ممکن نیست تا هزار سال دیگر خود را در تجارت و صناعت پیایه انگلیسان برسانیم چاره

این درد های بیدرمان ما یعنی فلاکت و فقر منحصر است  
 بترقی دادن زراعت ایران چرا که سایر موارد  
 ثروت جوهری و مادی نیست و باندک اقلابی در عالم  
 هزاران درجه پست و بلند میشود و بواسطه يك اختراع  
 جدید زیر و بالا میگردد مثل آنکه تفنگ نه پر  
 تمام تفنگهای سابق را باطل و ملیونها ثروت را ضایع  
 نمود و بینه نظیر زمینهای عمارتی است که باسباب خارجی  
 ممکن است ترقی کند لکن اعتبار ذاتی و مادی ندارد  
 امروز تجار در حوالی بازار امیر دار التجارهای زیاد  
 دائر میکنند و قهراً اجاره دکا کین انحوالی زیاد میشود  
 و بالتبع قیمت آن دکا کین نیز ترقی میکند و  
 ممکن است یگزوع مریض بیکصد تومان برسد اما بمجرد  
 آنکه تجار محلی دیگر برای تجارت اختیار کردند و  
 از آنجا نقل مکان نمودند فوری تنزل فاحش نموده  
 بسا میشود بزری یک قران یا کمتر میرسد پس این  
 قیمت قابل اعتبار نیست و نمیتوان او را جزء ثروت  
 حقیقی محسوب داشت و اگر صد هزار جریب ازین  
 اراضی داشته باشیم از برای یک فرض سند اعتبار و  
 رهن نمیشود قرار داد ولی هرگاه زمین زراعت زیاد  
 کنیم و یک قسمتی از اراضی بایر را آباد سازیم و سالانه  
 محصول کافی بر داریم انوقت فی الواقع دارایی ثروت  
 شده و برای هر قبیل قرض ضامن خوبی تهیه و تدارک  
 کرده ایم —

درست است که راه آهن خیلی اعتبار دارد ولی باز  
 باعتقاد من در مقام ضمانت کار زمین را نمیکند زیرا که  
 محتمل است یکحادثه واقع شود که راه آهن بیه مصرف  
 بماند چنانکه راه آهن منچور یا بسبب ضعف تساطروس  
 در شرق اقصی از اعتبار افتاده و فعلاً بشر مبلدی که  
 خرجش شده ارزش ندارد و فی المثل امکان دارد  
 که یک اسباب حمل و نقلی بعد پیدا شود که راه آهن  
 را لغو و بی اعتبار کند چنانکه (الهلال) مینویسد  
 یکی از علماء راه آهن یگخطی اختراع کرده که لازم  
 ندارد دو میله آهن مثل راههای امروزی نصب کنند  
 همانطور که سیم تلگرافی بکسر مایه بود و امروز ساختن  
 تلگراف بی سیم انرا از اهمیت افکنده است اما  
 زراعت زمین هرگز ممکن نیست لغو کرد  
 مگر آنکه از آسمان مائده نازل شود یا نوع بشر  
 مثل ملائکه از خوردن و آهامیدن مستغنی گردند —

امروز که دولت ما در نهایت فقر و ملت در غایت  
 پریشانی است و عرصه زندگی بر ساکنین اینخاک تنگ  
 شده صورت دادن کارهای بزرگ از قبیل راه آهن  
 و کارخانجات بسیار اشکال دارد چرا که در اینگونه

امور دو چیز واجب است یکی علم یکی پول و ماهیچکدام  
 را نداریم بلاوه آدم درست امین هم در حکم کیمیا است  
 میترسم بعد از زحمات زیاد یک اداره مثل اداره بلدیة طهران  
 پیدا کنیم که غیر از پول گرفتن از تمام مواد نظامنامه کامه  
 دیگر را در مقام اجراء نیاورند ملت باید در خیابان  
 چراغ گاز از دریا بتوسط کرجی عبور کنند و کلابدیة  
 تند و چالاک پول بگیرند یک کار را از خارج نمیتوانند  
 از ترس بلدیة وارد شهر کنند زیرا که دو قران حق  
 الورد مطالبه مینماید کسی نیست که بر حل اینمما  
 قادر باشد در همه ممالک قانونی رسم است اول خرج  
 دولتی یا بلدی را معین کرده مطابق آنمقدار دخل  
 پیدا نموده و بر ملت تحمیل میکنند زیرا که خرج  
 عبارت است از چیزهایی که برای ملت نافع و لازم است  
 و دخل عبارت از وجوهی که از خود ملت برای صرف  
 امور خودشان گرفته میشود حالاً پس باید بلدیة اول  
 بگوید امسال چه خرجی را کدام شعبه از بلدیة را  
 منظور کرده اند و معادل همان وجه را از مردم بگیرند  
 اما اینها بعکس کرده میگویند شما پیش از هر امر اول  
 مالیات در شکما و حق الارض میدانها و ماخوذی از دکا کین  
 و غیره را بماند تا بعد فکر خرج بکنیم بکوفتی  
 یکی از اصلاح خواهان رساله نوشته حاصلش آن بود که  
 برای اصلاح حال مسلمین من خیالات عالیہ کرده ام ولی  
 مبلقی عمده لازم دارد شما اول جمع شده پول را بمن  
 بدهید تا بعد بگویم چه باید کرد! کار بلدیة ما هم تردید  
 بقایه صاحب آن رساله شده قبل از هر چیز  
 مطالبه پول می نمایند در این مدت چهار ماه آن  
 کار یگولی که صورت داده اند کدام بوده؟ مگر یک  
 اعلان منتشر کرده و ابداً دنباله آنرا هم نگرفته اند مگر  
 باز زمان اغفال است و باید مردم را بحرف مشغول کرد  
 باری درین موضوع سخن بسیار است که حواله بوقت  
 دیگر میدهیم —

از مطالب دور نیفتیم امروز تنها چیزی که میتواند  
 فقر و پریشانی ما را رفع کند زراعت است زراعت و  
 وزیر فلاحت باید خود را وسیله ثروت ملت شمرده  
 از دائره لفظ خارج و یاد رجاه عملیات بنهد خوب  
 در امر فلاحت چه کار را باید پیشرو قرار داد؟ کاری  
 که کم خرجتر و پر نفعتر و سهل المونه تر باشد که با  
 وضع حالیه ما اقدام در او جزء محاللات شمرده نشود  
 امروز فکر بکنید تا فردا آنچه بطل نماند ما میرسد  
 برض برسائیم —

سود بی زیان و تجارت بی خسارت  
 هر کسب و تجارتی که در عالم است مسلم است

محض جلب منفعت و ازدیاد ثروت است بدیسی است که نتیجه جزاین در هیچ کسب تجارتی تصور نمیشود و هر تاجری که لوازم کسب و اسباب تجارتی را مهیا میکند غرضی ندارد جز بردن فائده و جلب منفعت که بواسطه آن امور همیشه و لوازم آسایش خود یا نوعاً فراهم نماید هرچه دایره تجارت وسیع تر گردد و ارباب دادوستد باز گردد و ماملات بسیار شود مسلم است که بهمان اندازه منافع آن ترقی مینماید ولی در هر کسب و تجارتی که ملاحظه شود همانطور که احتمال منافع کایه و فوائد مهم در او می رود از حمل و نقل مثل التجاره و احداث کارخانجات و حفر قنوات و تسطیح طرق و شوارع و فرستادن گوگرد پارس بروم و خواستن دینی رومی بیارس و دیگر منافع بسیار همان قسم هم احتمال خطرهای بزرگ و زیانهای عظیم را دار است از قبیل غرق گشتی در دریا و آتش گرفتن کارخانه و عیب و قص اجناس منقوله و خوردن مردمان بیکاره و واخوردن متاع در بازار مکاره و نفع شرکت عمومی را مخصوص خود کردن و سفارت روس پناهنده شدن و سایر خطرهای بی شمار غرض هرچه تجارت مهم تر باشد ضرر و منفعتش عمده تر خواهد بود ولی من برگشته تجارتی سراغ دارم و یک راه کسبی مینمایم که ابداً ضرر در او متصور نمیشود و هرگز از مایه قصان نمیکند و بی شان و رتبه هم نیست . . . و آن اینست . . . یک دست خانه با سم مدرسه ماهی ده یا نوزده تومان کرایه میکند و چند عدد میز و نیمکت فراهم آورده در اطرافها میچینی و اطفال ملت و نوباوگان وطن را که و دیه پرو دکار و پرورده لطف کرد کارند و آتیه مملکت را بوجود عزیز آن هزاران امید وار بهامت بلطایف التحیل در انجا جمع میکند و ایشانرا آلت این کسب شریف قرار داده با سم تعلیم و تعلم بول آن بیچاره گانرا گرفته و عمر شانرا بیطالت صرف مینمائی خواهی گفت فرضاً من میخواهم این کار را بکنم این منفعت بی اندازه و دخل بی دردسر که تو میکوشی از کجا حاصل میشود ؟ مدرسه بهر جائی که اطلاق شود معلم و سایر لوازم از ضروریات است هر يك از اعضا و اجزا خرجی دارند و مدرسه از روی شاگرد و اعضا خرج و دخل معینی دارد وزارت معارف بر او نظارت دارد اولیای اطفال رسیده کسی میکنند بلکه کایه وطن پرستان و معارف خاصان حق نظارت و رسیدگی دارند در اینحال این مداخل فوق الماده از کجا پیدا میشود ؟ جواب اما نظارت احدی نخواهد کرد اما مداخل چند چشمه است اولاً آنکه از هر شاگردی

که وارد مدرسه میشود علاوه بر شهریه يك تو اسان اساسیه مطالبه مینمائی چون امروز تربیتی در مدارس نیست و معین نشده که مدارس تا چه میزان با ناچه اندازه از سال گذشته میتواند شاگرد قبول کند علی هذا مدارس حکم کار و انسرا هارا پیدا کرده که هر ماهی یکدسته شاگرد می رود و دسته دیگر وارد میشود لا اقل در هر مدرسه در عرض سال شصت هفتاد نفر شاگرد تازه وارد میشوند و این شصت هفتاد تومانرا تا صد سال که بگیری هیچ کس نخواهد گفت که مصارف معینه اینها کجاست و بجه جبهه همه ساله تو این وجه را میگیری تا بحال که ده سالست گرفته چه کرده ثانیاً ترتیب اطاقها را از روی دستور العمل مرشد کامل زنگی قرار میدهی باین معنی که معلم هر زنگی در اطاقی باشد و بدین واسطه چهار اطاق را بدو معلم از سر و امیکنی و دو معلم دیگر از بین افتاده حقوق آنها عاید خزانه عامه میگردد و عوض آنها هر روز دو نفر از شاگردان اطاق دیگر را بان اطاقها فرستاده وقت آن بیچارگان و اوقات شریف سایر شاگردانرا ضایع مینمائی و در درس فساد اخلاق که علت تمام خرابیهاست آنها را بحد کمال میرسانی . . . اگر دخل کفایت نکرد عینک خیانت و تقلب را زده گوشه و کنار شهر را بدقت میگرددی عوض معلم یکی دو سه نفر معلم نما با سم ادیب و فاضل و مسیو پیدا میکنی چون آنها از بیکارگی براهی دو سه تومان قناعت میکنند ایشانرا بکار و میداری و این اطفال معصومرا که اغلبشان از این معلم فاضلترند باو و امیکناری میترسی که چه ؟ وزیر علوم مؤاخذه کنند بیخیال باش اگر کسی هم محض وطن پرستی یا ارادت بایشان ایشانرا از این مرانب آگاه کند یا میگویند غرض دارد یا میگویند محرك دار داین دو کامه سالم است که در این ملک جلو تمام اصلاحات را گرفته و هر روزی هزاران فساد و خرابی بروز داده از شاگرد میترسی که بگوید این معلم بدرمان میخورد ؟ ترس سک کیست نطق بگشود مجبور است با اختیار عمایا باشد قدرت نفس کشیدن هم ندارد . چشمش کور شود باید مدرسه بیاید و شهریه بدهد بر فرض از بیست نفر شاگرد يك نفر ملتفت عیب کار شد و رفت فردا دو تنی دیگر میاید اساسیه هم تازه میشود . . . از اولیای اطفال و اهمه داری نداشته باشی بیچارها هیچ ملتفت نمیشوند اگر روزی دو دفعه هم بمدرسه بیایند حق دارند شاگرد مدرسه که نبوده اند وضع مدارس صحیحه را که نمیدانند ترتیب بیشترت درس و مشق را که ملتفت نمی شوند

در صدد اصلاح این عیوبات خواهد بر آمد صورت و مسمی را بعمل آور برسم و معنی ؟ نگاه میکنند صورت کار شو و کار صورت بده هر که میخواهی باش تفنگداری باش غلام پیش خدمتی باش حمالی باش بیسواد و بیگمالی باش کل سر فروشی باش زبان بازی و شارلتانیرا پیشه خود کن و از هیچ کس اندیشه منما ( میرزا حسن نامی )

از اتزلی به طهران — تلگرافی مخصوص ما توسط جبل المتین مجلس مقدس شورای ملی چیزی که ملت و دولت ایرانرا از این طلسم حیرت بخشا را که عبارت از معا هده روس و انگلیس بدون ضرر بتواند نجات داد همان اتحاد ملت و دولت و ترتیب قشون ملی است استدعا داریم باصول جدید وضع قوانین قشون ملی را فرموده اجرایش را از وزیر جنگ در تمام ایران بخواهید ما ملت هم برای حفظ وطن حاضریم در میدان قشون ملی مشق نظامی نموده در موقع جان بازی کنیم ( مجاهدین اخوت )

## ( اعلان )

یکطرفی قبض مواجب یکساله صبیبه مرحوم میرزا ابوالقاسم که هفتاد و دو تومان است و ( در جزو حقوق زکاتی ) است نزد مسیو دهبوخ رئیس راه آهن است صاحبش برود تردد مشار الیه نشانی داده دریافت کند

## اعلان

جناب آقا سید برهان الدین خاخالی که در انجمن برادران قزوین عضویت داشتند با اکثریت آراء اعضاء از عضویت انجمن خارج من بعد ایشانرا بسمت عضویت انجمن نشانند ( انجمن برادران دروازه قزوین )

## ( اعلان )

اشخاصیکه در روز صاحب شغل یا کسب هستند و با کمال میل بتحصیل بواسطه اشتغال فرغت ندارند از برای آنها در مدرسه آلیانس یک شعبه مخصوصی دایر شده که از اول غروب تا دو ساعت از غروب گذشته زبان فرانسه را درس میدهند اشخاص صاحب شغل میتوانند در کلاس فوق حضور بهم رسانیده مشغول تحصیل شوند هر کس مایل باشد بمدرسه آلیانس رجوع نماید

## اعلان

مدرسه فلاح دولتی واقعه در نکارستان از سه ساعت قبل از ظهر تا چهار بعد از ظهر مفتوح و برای پذیرفتن شاگرد همچنان حاضر است — شرایط پذیرفته شدن شاگرد : سن کمتر از پانزده نباشد و مقدمات حساب و جغرافیا را تا یک اندازه دیده باشد ( حسن الحسینی الکاشانی )

مدرسه يك قسم را له فرض میکنند که بماهی بگنجانان اکتفا میکند بهمین قدر که اطفالشان در خانه نیستند که اهل خانه را اذیت کنند یا در کوچها شیطنت و هرزگی نمایند قناعت میکنند .. اگر بایقدر مدخل هم قناعت نکردی عکاسیرا دیده میآوری مدرسه چار پنج شیشه عکس بر میداری بعد شاگردان را مجبور میکنی با این که دانه دو قران عکس را بخرند و همه روزه تاکید میکنی که عکاس میخواهد شیشه را پاک کند پول میآوری عکس بخرید ده پانزده تومان که بسکاس مایه رفتی فریب چهل تومان دخل میکنی .. اگر باز هم کفایت نکرد صحافیها دیده کتابچه های سفید که یکی ۳ شا های الی ۴ شا های قیمت دارد از او میخوری و دانه ۷ شا های و ۲ عباسی میفروشی و شاگردانرا مجبور میکنی که هر یک سه چهار تا بخرند و فلان و فلان بنویسند اگر باز هم طالب دخل شدی در ضمن هر چند ماهی یکی از معلمین را عذر خواسته و دو سه ماهی اطاق رایبمعلم میگذاری و معلمین را درس انتظار میاموزی و هر روز به بهانه در اطاق رفته و بانواع حيله و تقلبات شاگردانرا سر کرم میداری دخلهای نکفتنی هم بسیار است از قبیل اعانه گرفتن باسماء مخصوص و انواع تکدی باسم مدرسه کردن و سایر دله کیسها و پس فطرتیها مثل مطابق ماه قمری از شاگرد شهریه گرفتن و بمعلمین مطابق ماه شمسی حقوق دادن انهم شش ماه شش ماه بیچارگانرا معطل داشتن اگر بازم طالب مقمت و در صدد اخذ فایده هستی وجوع البقرترا این لقمه ها کفایت نمیکند و استسقاء را در جله وفات تسکینی نمیدهد قدم رنجه فرموده در مدرسه (....) از مدیر با کمال انجا جویا شوید البته بشما خواهد آموخت و آنچه را که بنده عرض کردم اندکی از بسیاری و ذره از خروار است که در خدمت ایشان استفاده کرده ام از این بیشتر میخواهید بدانجا رجوع کنید خواهی گفت همه کس که نمیتوانند مدرسه دایر کنند با ملزومات در کار است ( کار هر بز نیست خرمن کوفتن ) مدیر خود باید مدتی در مدرسه شاگردی کرده باشد زحمت کشیده باشد ترتیب اداره کردن مدرسه را بداند اگر شاگرد مدرسه نباشد افلا در خارج تحصیل کرده باشد لا اقل سواد فارسی حسابی داشته باشد متکه از همه اینها بی بهره ام و از تمام فنون عاری چگونگی میتوان چنین کاری بکنم . عجب در اینست که از این همه حرفها هنوز قهقهه میدی که امروز در این مملکت چه ... بازار نیست برادر کی این حرفها را میزند کدام شخص این لکاترا منتقت میشود کدام وطن پرست معارف پرور